

تحلیل «گفتمان ناسیونالیستی» در مجموعه اشعار احمد شاملو (بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه)

رقیه صدرايي*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

معصومه صادقی**

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱)

چکیده

ناسیونالیسم از مفاهیمی است که بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران اثر گذاشته است. در تاریخ معاصر ایران، از مشروطه به بعد، شاهد ظهور آن در قالب‌های اندیشه و عمل هستیم. یکی از روش‌های بررسی و مطالعه رخدادهای سیاسی-اجتماعی، روش «تحلیل گفتمان» است. این پژوهش بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است: مفصل‌بندی، مفاهیم، فرایند هویت‌یابی و سوژه «گفتمان ناسیونالیسم» از پهلوی دوم تا انقلاب اسلامی در مجموعه اشعار احمد شاملو چگونه است؟ بر اساس این نظریه، گفتمان ناسیونالیستی در رقابت با گفتمان حاکم، یعنی گفتمان پهلویسم شکل می‌گیرد و «استقلال و آزادی» را به عنوان دالّ خالی در جایگاه دالّ مرکزی قرار می‌دهد. از سوی دیگر، میهن‌دوستی، وحدت ملی و آرمان دولت ملی را معنایی تازه می‌بخشد و در پیرامون دالّ مرکزی مفصل‌بندی می‌کند. انسان مبارز نیز به مثابه سوژه سیاسی در ضدیت با غیرهای استعمار و استبداد برای تحقق «آزادی» به مبارزه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ناسیونالیست، تحلیل گفتمانی، لاکلا و موفه، احمد شاملو.

* E-mail: r-sadraie@srbiau.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: Sadeghi2002@yahoo.com

مقدمه

واژه «Discourse» که سابقه آن در برخی منابع به قرن چهاردهم میلادی می‌رسد، از واژه فرانسوی «Dis-koor / Discours» و لاتین «Discurs-us» به معنی «گفتگو، محاوره، گفتار» و از واژه «Discurrer» یا «Discursum» به معنی «طفره رفتن»، «از سر باز کردن»، «تحلیل ورزیدن» و... گرفته شده است (ر.ک؛ مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰). اما ظاهراً اولین بار اریک هریس این اصطلاح را در مقاله خود با عنوان «تحلیل گفتمان» به کار برده است. در این مقاله، وی دیدی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن دارد (ر.ک؛ تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۲).

نظریه گفتمان از علوم تفسیر^۱، مانند هرمنوتیک، پدیده‌شناسی، ساختارگرایی و شالوده‌شکنی الهام می‌گیرد (ر.ک؛ مارش و واستوکر، ۱۳۷۸: ۱۹۶). هرچند نظریه گفتمان ریشه‌های قوی در سنت و دیدگاه‌های نظری گذشته دارد، اما رویکردی نسبتاً نو در تحلیل سیاسی است. این نظریه در ایده‌ها و مفروضات خود از رویکردهای نویسندگان مارکسیست، همچون آنتونیو گرامشی و لویی آلتوسر و نیز نظریه پردازان فرامدرنیست، مانند میشل فوکو و ژاک دریدا و فردینان دو سوسور بهره برد (ر.ک؛ همان: ۲۲۰).

ریشه نظریه‌های گفتمان به زبان‌شناس سوئیسی «فردینان دو سوسور» بازمی‌گردد. این نظریه با الهام از زبان‌شناسی سوسوری بر اهمیت زبان در بازنمایی و بازسازی جهان اجتماعی تأکید می‌کند. نظریه گفتمان به تدریج تحول یافت و به حوزه علوم اجتماعی وارد گردید. سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان به ترتیب در قالب تحلیل گفتمان ساختارگرا، نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی خلاصه کرد.

همچنین، باید گفت مفهوم «گفتمان» پدیده‌ای چندوجهی و چندمعنایی است و کثرت وجوه و کثرت معنایی این پدیده موجب پیچیدگی و ابهام در دریافت صحیح معانی و تعریف‌های آن و فهم دقیق نقش، جایگاه، کارویژه‌ها و استلزام‌های آن شده است. بداعت مسائل و موضوعات مطرح در بحث گفتمان از یک سو و گسترش دامنه و دایره شمول کارکردی و معنایی آن از سوی دیگر که رشته‌های متنوع علوم انسانی و علوم اجتماعی، اعم از زبان‌شناسی، هنر، نقد و نظریه ادبی، نقد و نظریه فرهنگی و نیز نقد و نظریه اجتماعی

گرفته تا فلسفه، سیاست، روانشناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، حقوق و... را در بر می‌گیرد، سبب اقبال و توجه چشمگیری بدان شد (ر.ک؛ مک دانل، ۱۳۸۰: ۹).

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، تاریخ معاصر سیاسی ایران را در مجموعه اشعار احمد شاملو بر مبنای نظریه تحلیل گفتمانی «ارنستو لاکلا»^۲ و «شتال موفه»^۳ بررسی می‌کند. این تحقیق مؤلفه‌های نظریه گفتمان را در شعر معاصر و در پیوند با ناسیونالیسم جامعه دوران حاکمیت پهلوی دوم به کار می‌گیرد. اهمیت پژوهش در آن است که شناخت ابعاد آثار و پیامدهای استعمار، در دوران معاصر را با وجود اسناد تاریخی و بازتاب آن در ادبیات سیاسی ایران فراهم آورده‌است. همچنین، سوابق و عملکرد تاریخی استعمارگران و واکنش هنرمندان و شاعران، بی‌شک در اتخاذ موضع واقع‌بینانه در تعامل با این کشورها مؤثر خواهد بود، به‌ویژه برای نسلی که از گذشته خویش اطلاع دقیقی ندارد. همچنین، فهم بهتر و دقیق‌تر اشعار و هنر در بستر تاریخی معاصر نیز فراهم خواهد شد.

پژوهش‌های زیادی درباره شعر و اندیشه احمد شاملو انجام گرفته‌است که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

- قادری، فاطمه و مهری زنی. (۱۳۸۸). «زمینه اجتماعی اشعار شاملو و ماغوط». *ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. س ۱. ش ۱. صص ۱۰۹-۱۳۲. در این مقاله، مسائل اجتماعی ایران و سوریه از جمله، فقر، ظلم، درد و رنج اجتماعی، وطن و آزادی بررسی و تحلیل شده‌است.

- فلاحت خواه، فرهاد. (۱۳۸۵). «مروری بر اندیشه احمد شاملو». *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی*. س ۲. ش ۵. صص ۵۷-۷۶. در این مقاله، بخشی از تفکرات اومانیستی و اگزستانسیالیستی به عنوان اندیشه غالب در متن مجموعه اشعار شاملو مطرح می‌شود.

- صلاحی مقدم، سهیلا و مرضیه اصغر نژاد فرید. (۱۳۹۲). «مضامین تغزل اجتماعی در اشعار نزار قبانی و احمد شاملو». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. س ۷. ش ۲۶. صص ۶۹-۸۹. در این مقاله، دو رهیافت اساسی در شعر هر دو شاعر مطرح می‌شود. در رهیافت اول، شور مبارزه و دغدغه اجتماعی شاعر، او را از تغزل بازمی‌دارد و در رهیافت دوم، عشق به شاعر امید مبارزه می‌بخشد.

با توجه به جستجوهای انجام شده تاکنون پژوهش یا تألیف مستقلی با رویکرد بینارشته‌ای و بر مبنای نظریه گفتمانی، مجموعه اشعار احمد شاملو را تحلیل نکرده است. از آنجا که این پژوهش با رویکرد میان‌رشته‌ای واکنش ناسیونالیستی جامعه ایرانی در برابر حضور استعمارگران است و حاکمیت استبدادی را در مجموعه اشعار احمد شاملو تحلیل می‌کند و یافته‌های تازه‌ای در ادبیات سیاسی معاصر ایران است، می‌تواند ما را به شناخت و درک بهتر از ادبیات منظوم معاصر رهنمون نماید.

۱. مباحث نظری

۱-۱. ناسیونالیسم^۴

تعریف دقیق و واحدی از این مفهوم ارائه نشده است. یکی از دلایلی که باعث شده تا تعریف واحدی در این زمینه وجود نداشته باشد، تغییر مفهوم ناسیونالیسم با توجه به جریان تاریخ است. در اینجا به تعدادی از این تعریف‌ها اشاره می‌شود:

«ناسیونالیسم نوعی عقیده سیاسی است که زمینه یکپارچگی جوامع جدید و مشروعیت ادعای آن‌ها برای داشتن اقتدار را فراهم می‌آورد. ناسیونالیسم وفاداری بیشتر مردم را متوجه یک دولت-ملت می‌نماید؛ خواه این دولت-ملت موجود باشد، خواه اینکه به صورت یک خواسته باشد. دولت-ملت نه تنها به عنوان یک شکل ایده‌آل، طبیعی یا عادی از نظام سیاسی مورد توجه واقع می‌شود، بلکه به عنوان یک چارچوب ضروری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد نظر قرار می‌گیرد» (David Sills, 1972: 63).

در تعریف دیگری از ناسیونالیسم آمده است:

«ناسیونالیسم حاصل پیدایش خودآگاهی و خوداتکایی جوامع بالغ برای حرکت به سوی پدیده ملت‌سازی است. در این شرایط بلوغ، حالت ذهنی-روانی بر بیشتر افراد یک جامعه مستولی است که در آن، دولت ملی را به عنوان شکل مطلوب سازمان سیاسی تشخیص داده، ملیت را تنها منبع خلاق نیروی فرهنگی و رفاه اقتصادی تصور می‌کنند» (Kohn, 1967: 76).

آنتونی اسمیت نیز در تعریف خود می‌آورد: «ناسیونالیسم، جنبشی ایدئولوژیک برای دستیابی و حفظ استقلال، وحدت و هویت برای مردمانی است که برخی از اعضای آن به

تشکیل یک ملت بالقوه و بالفعل باور دارند» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۰). از نظر ناسیونالیست‌ها، یک ملت نمی‌تواند بدون میزان مشخص و معینی از هر سه این‌ها به بقای خود ادامه دهد.

۲-۱. مؤلفه‌ها و مفاهیم نظریهٔ لاکلا و موفه

لاکلا و موفه با استفاده از بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی مانند سوسور، گرامشی، فوکو، ساختارگرایی آلتوسر، پساساختارگرایی دریدا و دیگران نظریهٔ گفتمان خود را در سال ۱۹۸۵ در کتابی با عنوان *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی* بسط دادند. هدف این کتاب، ارائهٔ تحلیلی جدید از جامعهٔ سرمایه‌داری صنعتی معاصر و راهبردی مناسب برای چپ بحران‌زده اروپاست و ماهیت ضد کاپیتالیستی دارد.

۱-۲-۱. گفتمان^۵

کلیت ساختاردهی شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، «گفتمان» نام دارد. گفتمان‌ها در واقع، منظومه‌های معانی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند. بنابراین، معنا و فهم انسان همواره گفتمانی و از این رو، نسبی است (Howarth, 2000: 102-107). لاکلا و موفه موضوعات و رفتارها را گفتمانی می‌دانند. برای اینکه اشیاء و فعالیت‌ها فهمیدنی باشند، باید به عنوان جزئی از یک چارچوب گسترده‌تر تحلیل شوند.

۲-۲-۱. مفصل‌بندی^۶

هر عملی که میان عناصر پراکنده در یک گفتمان ارتباط برقرار کند، به نحوی که هویت این عناصر اصلاح و تعدیل شود، «مفصل‌بندی» نامیده می‌شود. معنای بعضی نشانه‌ها به واسطهٔ مفصل‌بندی گاه آنچنان رایج و مرسوم می‌شود که از نظر ما کاملاً طبیعی جلوه می‌کند. از دیدگاه لاکلا و موفه، تعریف مفصل‌بندی و گفتمان به هم وابسته‌اند: «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود، به نحوی که هویت این عناصر، در نتیجهٔ عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم» (Laclau & Mouffe, 1985: 105)

۱-۲-۳. دال و مدلول

دو مفهوم «دال» و «مدلول» در نظریه لاکلا و موفه نقش کلیدی دارند. دال‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، «مدلول» نامیده می‌شود. مدلول، نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود (Ibid, 2002: 140).

۱-۲-۴. دال مرکزی^۷

دال مرکزی، نشانه یا نشانه‌هایی است که سایر نشانه‌ها حول آن نظم می‌گیرند. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. نیروی جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند و سامان می‌دهد؛ به عبارتی دیگر، مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل‌بندی می‌شوند، حول یک مفهوم یا دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند (ر.ک؛ حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۰).

۱-۲-۵. دال شناور

در این نظریه، نشانه‌ها و مفاهیم «دال‌های شناوری» هستند که گفتمان‌های مختلف می‌کوشند به آن‌ها معنا دهند. «دال شناور» دالی است که مدلول آن، شناور (غیر ثابت) است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر آن با هم رقابت می‌کنند (ر.ک؛ سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

۱-۲-۶. عناصر^۸، وقته‌ها^۹، حوزه گفتمان‌گونگی^{۱۰}

دال‌هایی را که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند، «وقته» می‌نامند. هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. به طور طبیعی، هر گفتمان یکی از آن معانی را برحسب همخوانی با نظام خود تثبیت و بقیه را طرد می‌کند. لاکلا و موفه معانی احتمالی نشانه‌ها را که در گفتمان طرد شده‌اند، «حوزه گفتمان‌گونگی» می‌نامند. سرریز معانی یک دال یا نشانه به حوزه گفتمان‌گونگی، با هدف ایجاد یکدستی معنایی در یک گفتمان انجام می‌شود (Laclau & Mouffe, 1985: 111).

یک وقت تا پیش از ورود به یک گفتمان و مفصل‌بندی شدن و تثبیت معنا در چارچوب آن، در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارد و «عنصر» نامیده می‌شود. عناصر، دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند و در واقع، از گفتمان مورد نظر طرد شده‌اند (ر.ک؛ سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۸)، اگرچه این طرد شدن موقتی است.

۱-۲-۷. بی‌قراری (از جاشدگی)^{۱۱}

بی‌قراری حاصل رشد خصومت و تکثر در جامعه است. همواره این امکان وجود دارد که معنای تثبیت‌شده یک وقت متزلزل شود که این تزلزل را «بی‌قراری» می‌نامند. لاکلا تمام بحران‌های جامعه معاصر را با این مفهوم توضیح می‌دهد (Laclau, 1990: 60).

۱-۲-۸. ضدیت^{۱۲} و غیریت^{۱۳}

گفتمان‌ها در تعارض و تفاوت با دیگری شکل می‌گیرند. همانند خیر و شر، تاریک و روشن، دوست و دشمن؛ برای مثال؛ روز را تنها در تعارض با شب می‌توان درک کرد و هویت روز، وابسته به شب است:

«اهمیت مفهوم غیریت یا ضدیت در آن است که هر چیز در ارتباط با غیر هویت می‌یابد؛ چراکه اشیاء ذات و هویت ثابتی ندارند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند، هویت می‌یابند... خصومت در اینجا فاقد هر گونه قانون ضروری و جهت‌گیری از پیش تعیین‌شده است... خصومت، امری بیرونی است و باعث شکل‌گیری و انسجام گفتمان و نیز تهدید آن می‌شود. خصومت به رابطه یک پدیده با چیزی بیرون از آن اشاره دارد که این بیرون، نقش اساسی در هویت‌بخشی و تعیین آن پدیده ایفا می‌کند» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۵).

لاکلا استدلال می‌کند که اگر غیریت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و همواره آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند (Laclau, 1990, 27-28).

۱-۲-۹. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم «برجسته‌سازی» و «حاشیه‌رانی» همراه است. گفتمان‌ها با استفاده از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سعی می‌کنند تا نقاط قوت خود را برجسته سازند و نقاط ضعف خود را پنهان کنند و بالعکس، نقاط قوت غیر یا دشمن را به حاشیه راندند و نقاط ضعف او را برجسته کنند. در هر صورت، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی سازوکاری برای تقویت خود و تضعیف دیگری یا غیر است و گفتمان‌ها از شیوه‌های مختلفی برای برجسته‌سازی خود و حاشیه‌رانی رقیب استفاده می‌کنند که دو چهره نرم‌افزاری و سخت‌افزاری دارند که بیانگر نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای قدرت هستند. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی‌های نرم‌افزاری در قالب زبان نمود پیدا می‌کند و برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی‌های سخت‌افزاری به صورت‌های مختلفی چون توقیف، حبس، اعدام، ترور، تظاهرات خیابانی و مانند آن‌ها نمود می‌یابد (ر.ک؛ سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۱۳).

۱-۲-۱۰. گفتمان‌ها: از اسطوره‌ها تا تصورات اجتماعی

لاکلا نظریه را «اسطوره» می‌نامد. اسطوره‌ها محصول بی‌قراری گفتمان‌های حاکم بر نظام اجتماعی هستند. آن‌ها به دنبال رهایی از این بی‌قراری و خلق یک عینیت اجتماعی جدیدند. جامعه شکل یافته کنونی نیز خود یک تصور اجتماعی عینیت یافته است، یک اسطوره مجسم و تبلور یافته که اکنون دچار بحران گردیده، متزلزل شده است. در شرایط تزلزل، اسطوره‌های جدید شکل می‌گیرند و گفتمان‌های بدیل را می‌سازند. از منظر گفتمانی، ساماندهی واقعیت و غلبه بر بحران‌ها از راه نظریه‌پردازی و بازسازی تئوریک صورت می‌گیرد. در نتیجه، جامعه برای پُر کردن خلاءها، همواره نیازمند نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی است؛ زیرا از این راه، سامان دادن به مشکلات، از میان بردن نواقص، بی‌قراری‌ها و در پایان، تحول و پیشرفت جوامع بشری امکان‌پذیر خواهد شد (ر.ک؛ حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴).

اسطوره، تقاضاهای یک گروه یا طبقه خاص از جامعه را نمایندگی می‌کند. بنابراین، اسطوره باید به تصور اجتماعی بدل شود. تصور اجتماعی برخلاف اسطوره، همگانی و تجلی‌گر خواسته‌های اقشار مختلف مردم است. وجه استعاره‌ای و اسطوره‌ای گفتمان، اگرچه موجب تقویت و پذیرش آن در سطح عام می‌شود، ولی در عین حال، موجد یک

نقطه ضعف است؛ زیرا موجب می شود که تصویری آرمانی در اذهان سوژه‌ها پدید آید و انتظارات عمومی را افزایش دهد. اگر یک گفتمان نمایانگر آرمانی بی عیب و نقص باشد، باید بتواند به تقاضاهای موجود پاسخ شایسته دهد و مشکلات را برطرف سازد، اما هیچ گاه این کار در عمل ممکن نیست. بی‌قراری همواره وجود دارد و اساساً سامان‌دهی کامل واقعیت امکان‌ناپذیر می‌نماید. از این رو، هنگامی که یک گفتمان استیلا یافت، به تدریج از فضای استعاری خود فاصله می‌گیرد و ماهیت واقعی آن آشکار می‌شود (ر.ک؛ حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۵۱).

وقتی گفتمان مسلط نتوانست وعده‌های خود را عملی سازد و بحران‌ها را سامان دهد، اندک‌اندک نارضایتی‌ها و تردیدها نسبت به گفتمان حاکم آشکار می‌شود. این وضعیت باعث بحران هویت در کسانی می‌شود که روزی خود از هواداران آن بوده‌اند. بدین ترتیب، زوال گفتمان مسلط آغاز می‌شود و جامعه آمادۀ هویت‌یابی با گفتمان‌ها و اسطوره‌های جدیدی می‌شود که مدعی کمال هستند.

۱-۲-۱۱. دال خالی

وظیفه دال‌های خالی، بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. از آنجا که این دال‌ها همواره نواقص را گوشزد می‌کنند، تولید آن‌ها سبب پویایی جامعه و سیاست خواهد شد (Laclau, 1994:49).

همواره در جامعه بی‌قراری‌ها و کمبودهایی هست که از سوی این دال‌ها بازنمایی می‌شوند و تحول و تغییر را به همراه دارند. دال‌های خالی دست‌مایه خلق اسطوره‌های جدیدند. مفصل‌بندی گفتمان‌های سیاسی حول یک دال خالی شکل می‌گیرد که در جایگاه دال مرکزی می‌نشیند. بنابراین، دال خالی گفتمان حاضر، در جایگاه دال مرکزی گفتمان آتی می‌نشیند. غیبت و خالی بودن، ویژگی دال مرکزی و شرط موفقیت آن در هژمونی است (Ibid, 1996: 37). وجود دال‌های خالی که نشانی از بی‌قراری‌ها، تقاضاها و بحران‌ها در عرصه سیاسی-اجتماعی است، زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان‌های جدید فراهم می‌سازد.

۱-۲-۱. موقعیت سوژه ای^{۱۴} و سوژگی سیاسی^{۱۵}

هویت سوژه با گفتمان مسلط تعریف می‌شود. از این رو، سوژه‌ها در گفتمان‌های مختلف، هویت‌های متفاوت و گاه متضاد می‌یابند. به هر حال، لاکلا و موفه سوژه را به موقعیت‌های سوژگی که گفتمان‌ها برای خود فراهم می‌کنند، تقلیل می‌دهند و از این طریق، مفهوم سوژه خودمختار با هویت و منافع ثابت را طرد می‌کنند. هر موقعیت سوژه‌ای از طریق اختلاف و تمایزش با موقعیت‌های سوژه‌ای دیگر ساخته می‌شود. سوژه‌ها در درون ساختار گفتمانی به هویت شناخت از خود دست می‌یابند و بر اساس آن دست به عمل می‌زنند. همواره تکثری از موقعیت‌ها و گفتمان‌ها وجود دارد که انسان در آن‌ها می‌تواند به هویت دست یابد. بنابراین، هر فرد می‌تواند موقعیت‌های سوژه‌ای مختلف داشته باشد (Howarth & etc., 2000:13).

۲. بحث و بررسی

۱-۲. مفصل‌بندی مفاهیم «گفتمان ناسیونالیستی»

میهن‌دوستی و تعلق به وطن، وحدت و یگانگی ملی و دولت ملی در پیرامون آزادی و آرمان استقلال، شاکله گفتمان ناسیونالیستی در مجموعه اشعار احمد شاملو را شکل می‌دهد.

۱-۱-۲. دال مرکزی

«آزادی» از استبداد و استعمار، هسته مرکزی منظومه گفتمان ناسیونالیستی را در شعر و اندیشه احمد شاملو تشکیل می‌دهد و سایر نشانه‌ها با روابط دالی و مدلولی خود به عنوان دال‌های وقته‌ای در «گفتمان ناسیونالیستی» احمد شاملو مفصل‌بندی می‌شوند.

«گفتمان ناسیونالیسم» در مجموعه اشعار شاملو با اندیشه دموکراسی و آزادی خواهی وی پیوند محکمی دارد. طرفداران این نحله فکری به دنبال آن بودند که با ایجاد مؤسسات جدید و کوتاه کردن دست استبداد و استعمار، کشوری قوی پدید آورند و موجبات رفاه مملکت را فراهم سازند. شاملو همه جا از آزادی سخن می‌گوید. از نگاه او، اگر آزادی سرودش را بخواند، بار دیگر از خرابی دیوارهای فروریخته و عقب‌افتادگی اثری نخواهد

بود. در شعر «ترانه بزرگترین آرزو» از مجموعه «دشنه در دیس»، وی به بزرگترین آرزوی خویش، یعنی آزادی اشاره می‌کند. او بدبختی و پلشتی را نتیجه نبود آزادی می‌داند:

«آه اگر آزادی سرودی می‌خواند

کوچک

همچون گلوگاه پرنده‌ای

هیچ کجا دیواری فروریخته بر جای نمی‌ماند.

سالیان بسیار نمی‌بایست

در یافتن را

که هر ویرانه نشانی از غیاب انسانی است

که حضور انسان

آبادانی است» (شاملو، ۱۳۸۵: ۷۹۹).

اگر احمد شاملو تنها آزادی را به پرنده‌ای تشبیه کرده بود که نمی‌تواند سرود بخواند و یا حق آواز سر دادن ندارد، کار مهمی انجام نداده بود. هنر احمد شاملو در این است که حرف و تشبیه مهم تری را به تصویر آغازین شعرش پیوند زده است. از منطق کلامش می‌توان متوجه شد که او آزادی و انسانیت انسان را لازم و ملزوم یکدیگر و در واقع، یکی دانسته است. نبودن آزادی، نبود انسان است. انسان تا وقتی که آزاد نیست، انسان نیست.

«آه! مختوم قلی

من گه‌گاه سردستی

به لغت‌نامه

نگاهی می‌اندازم:

چه معادل‌ها دارد پیروزی! (محشر!)

چه معادل‌ها دارد شادی!

چه معادل‌ها انسان!

چه معادل‌ها آزادی!

مترادف‌هاشان

چه طنین پُر و پیمانی دارد!

وای، مختوم قلی!

شعر سرودن با آن‌ها

چه شکوه و هیجانی دارد!» (شاملو، ۱۳۹۲: ۱۱).

شاملو بر این عقیده است که بدون آزادی هیچ حرف کارآمدی را نمی‌توان بر زبان آورد، حتی اگر تمام الفاظ جهان را در اختیار داشته باشی:

«تمامی الفاظ جهان را در اختیار داشتیم
و آن نگفتیم
که به کار آید؛
چرا که تنها یک سخن،
یک سخن در میانه نبود: آزادی...» (همان، ۱۳۸۵: ۷۴۷).

در مجموعه اشعار شاملو آزادی به معنای آزادی سیاسی و آبادانی است؛ زیرا شاعر آزادی را شرط لازم برای آبادانی دنیا، و زندگی بدون آزادی را بی‌معنی می‌داند. از این رو، می‌توان گفت که آزادی، یعنی آزادی سیاسی و استقلال از دخالت و وابستگی بیگانگان است. رابطه دال و مدلول، آزادی و مفاهیم آن در بحث‌های بعدی بهتر و بیشتر مشخص می‌شود.

۲-۱-۲. وقته‌ها (لحظه‌ها)

میهن دوستی، یگانگی ملی و نظام سیاسی مطلوب (دولت ملی) از مهم‌ترین دال‌هایی هستند که به عنوان وقته در پیرامون دال مرکزی (آزادی و استقلال) در «گفتمان ناسیونالیستی» مفصل‌بندی می‌شوند و هر یک در گفتمان ناسیونالیستی معنادار می‌شوند.

۲-۱-۲-۱. میهن دوستی

میهن دوستی غالباً موجب حس وفاداری، دلبستگی، غیرت و تعصب نسبت به افتخارات ملی فرهنگی، مانند نژاد، تاریخ و تمدن، زبان، سنن، عادات، ادیان و... می‌شود. در «گفتمان پهلویسم»، ناسیونالیسم بیشتر حول محور شاه تعریف می‌شد تا وطن، با این تصور که از آن به «ناسیونالیسم سلطنتی» نیز تعبیر می‌شود (Ansari, 2003: 33). وطن پرستی و احساس ملیت، بیشتر در قالب وفاداری به سلطنت معنا می‌یابد تا به کشور؛ به تعبیر دیگر، علاقه و تعلق ویژه‌ای که به عنوان هدف این نوع ناسیونالیسم ترویج می‌شد، در راستای اهداف مقام سلطنت و جایگاه شاه بود که به نحو بارزی در شعار «خدا، شاه، میهن» بازتاب می‌یافت. این نوع ناسیونالیسم برخلاف ناسیونالیسم شکل گرفته در غرب که بر پایه آزادی فردی، آزادی

انتخاب، قرارداد اجتماعی و بسط جامعه مدنی معنا می‌یافت، با تأکید بر اراده‌گرایی و انبساط عرصه قدرت سیاسی، حوزه جامعه مدنی را به عقب رانده، مشارکت، آزادی، حق انتخاب و... در آن معنایی نداشت (ر.ک؛ انتخابی، ۱۳۷۱: ۲۶).

در مجموعه اشعار شاملو، آزادی و میهن‌داری پیوندی ناگسستنی هستند؛ زیرا او می‌خواهد میهنش مستقل و مردم میهنش آزاد باشند. میهن در مجموعه سروده‌های شاعر با سیمای معشوق جلوه می‌یابد. او وقتی مجبور به ترک وطن می‌شود، ابراز ناراحتی می‌کند و از اینکه آسمان وطنش چتر سرش نیست، دلگیر است:

«آسمان خودم

چتر سرم نیست» (شاملو، ۱۳۹۲: ۱۴).

دفتر ترانه‌های کوچک غربت مجموعه شعرهایی است که احمد شاملو در طول اقامت در خارج از کشور سروده است که در همه آن‌ها نوعی غم و دل‌مردگی حاصل از دوری از وطن موج می‌زند. در این شعرها، شوق بازگشت به وطن لحظه‌ای در او بارقه‌ای از امید منعکس می‌کند و گاهی هم یأس و نومیدی در فضای شعرش حاکم می‌شود:

«شوق و یأس در این کشش و گرایش به دیار خویش، موضوع اصلی شعرهای هجرانی است. تلخای دوزخ در هر رگ می‌گذرد. هوشیواران غم خویش، خشم‌گین و پرخاشگر، از اندوه تلخ خویش پاسداری می‌کنند. نگهبان عبوس رنج خویشتن‌اند تا از قاب سیاه وظیفه‌ای که بر گرده آن کشیده‌اند، خطا نکنند» (مختاری، ۱۳۷۲: ۲۲۲).

به هر حال، مراد شاعر، دوری از وطن نیست و آرزوی دیدار وطن دارد. او هنگامی که در غربت است، دوست دارد به میهن بازگردد و آفتاب میهن پیراهن او باشد، سرزمینش را زیر پای خود احساس کند و صدای رویش خود را بشنود:

«بگذار آفتاب من پیراهن‌ام باشد

و آسمان من

آن کهنه‌کریاس بی‌درنگ

بگذار بر زمین خود بایستم؛

بر خاکی از براده‌الماس و رعشه درد

بگذار سرزمینم را

زیر پای خود احساس کنم
و صدای رویش خود را بشنوم:
رُبُ رُبُ طبل‌های خون
در چیتگر
و نعرهٔ بیرهای عاشق را
در دیلمان
و گرنه چه هنگام می‌زیسته‌ام؟
کدام مجموعهٔ پیوستهٔ روزها و شبان را من؟» (شاملو، ۱۳۸۵: ۸۱۰).

۲-۲-۱-۲. یگانگی ملی

در «گفتمان ناسیونالیستی»، وحدت و یگانگی به شکل همدلی ملی در راه مبارزه برای رسیدن به آمال ملی متبلور می‌شود و در پیوند با دال مرکزی (آزادی و استقلال) و در کنار سایر دال‌ها مفصل‌بندی می‌شود و معنایی گفتمانی می‌یابد. شاملو به عنوان یک شاعر مبارز و آزادی‌خواه، برای تحقق استقلال سرزمینش، همگان را به اتحاد فرامی‌خواند. او در سروده‌ای بیان می‌دارد که پدیده‌های طبیعی همچون درخت، جنگل، علف، صحرا، ستاره و کهکشان با هم متحد و هم کلمه هستند، ما هم باید مثل این پدیده‌های طبیعی همراه و همگام باشیم:

«درخت با جنگل سخن می‌گوید

علف با صحرا

ستاره با کهکشان

و من با تو سخن می‌گویم

نامت را به من بگو

دستت را به من بده» (همان، ۱۳۷۲: ۱۷۶).

شاملو اتحاد را بر هر چیزی، حتی تقدیر و سرنوشت مسلط می‌داند:

«حرف من این است:

قطره‌ها باید آگاه شوند

که به هم کوشی

بی‌شک می‌توان بر جهت تقدیری فایق شد» (همان، ۱۳۹۲: ۸).

شهیدان و آزادی خواهان در مجموعه اشعار و نظام فکری شاملو بهترین نمونه هستند که در اجتماع ایجاد همدلی ملی می کنند و هویت بخش ملت هستند. یکی از مضامین پرتکرار در شعر او، یادآوری مبارزان آزادی خواه و توصیف مرگ آنان است:

«مردی چنگ در آسمان افکند
 هنگامی که خورش فریاد و
 دهان بسته بود» (همان: ۱۵).

وی خون آنان را امضایی برای اثبات انسانیت می داند:

«با شما که با خون عشق‌ها، ایمان‌ها
 با خون شباهت‌های بزرگ
 با خون کله‌های گچ در کلاه‌های پولاد
 با خون چشمه‌های یک دریا
 با خون چه کنم‌های یک دست
 با خون آن‌ها که انسانیت را می جویند
 با خون آن‌ها که انسانیت را می جویند
 در میدان بزرگ امضا کردید
 هر چند

نابکارانی هستند آن سو
 چیره‌دستانی در حرفه «کت بسته به مقتل بردن»
 دلیرانی دریادل این سو
 چربدستانی در صنعت "زیبا مردن" (همان، ۱۳۸۵: ۴۶).

خیزش مبارزان جوان در سال‌های آخر دهه چهل، فضای خاموش و راکد ایران دوره ستم‌شاهی را پُرغلغله کرد و آنان حتی خون رنگین خود را بر زمین ریختند. شاملو که دوستدار مبارزه و خیزش است، با مبارزان جوان همراهی و همدلی می کند:

«بر آسمان

اما

سرودی بلند می گذرد

یا دنباله طینش، برادران

من اینجا

پا سفت کرده‌ام که همین را بگویم...» (همان: ۷۳۲).

۲-۱-۲. نظام سیاسی مطلوب (دولت ملی)

از دیگر نشانه‌های «گفتمان ناسیونالیستی» در مجموعه اشعار شاملو که پیرامون دال مرکزی مفصل‌بندی می‌شود و به مدلول خاص اشاره دارد، نظام سیاسی مطلوب است. در مجموعه اشعار شاملو، نظام سیاسی مطلوب با «دولت ملی»، مستقل از دخالت بیگانگان استعمارگر و آزاد از استبداد معنا می‌شود. در دیدگاه وی، تحقق «دولت ملی» لازمه استقلال و آزادی ایران و ایرانی است. واکنش احمد شاملو و بازتاب اشعار وی به دولت ملی مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ما را به درک و شناخت بیشتر دال نظام سیاسی مطلوب و مدلول آن رهنمون می‌کند.

دولت ملی مصدق، تحقق و منتهای اندیشه ناسیونالیستی در ایران معاصر است که با مبارزه‌های زیاد علیه استعمار و استبداد داخلی رخ داده بود. شکست دولت ملی مصدق به اندازه‌ای بر روحیه احمد شاملو تأثیرگذار بود که حجم زیادی از اشعار او را شامل می‌شود. دولت ملی در واقع، تحقق تمام آرزوهای سیاسی و اجتماعی طبقه‌ها و اقشار مردم است که در آن دیگر جایی برای استعمار نمی‌توان تصور کرد. شاملو به عنوان یک شاعر ناسیونالیستی آزادی‌خواه، از مردم و حکومت ملی با اشعارش حمایت می‌کند. علی‌رغم آرزوی شاعر، تشکیل دولت ملی پس از مدت کوتاهی از سوی استعمارگران سرکوب می‌شود. از این رو، شاعر از شعر و اندیشه ناسیونالیستی کمک می‌گیرد تا با شرایط نابسامان اجتماعی-سیاسی جامعه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مبارزه کند.

شعر شبانه «یاران من»، ریتم و آهنگی آرام و دردمندانه دارد و درون‌مایه شعر، درد و همدردی است و دعوتی دردمندانه و دلسوزانه از یاران می‌باشد؛ یارانی که اینک با شکست نهضت، قلب آنان شکسته است. شاملو اینگونه با ایشان همدردی می‌کند:

«یاران من

بیاید

با دردهایتان

و بار دردهایتان را

در زخم من بتکانید» (همان: ۱۷۵).

«پریا» سروده‌ای با انگیزه سیاسی و اجتماعی است. شعر عامیانه «پریا»، شعر عامیانه مردم انقلابی است که نهضت ملی و حاکمیت مطلوب آنان را ناامید و سرخورده کرده است و شاملو می‌خواهد به آنان امید دهد که مردی با اسب سفید خود می‌آید و آنان را به جایی امن و شاد می‌برد. بنابراین، در فضای نومیدانه بعد از کودتا این شعر جان‌نیم‌مردۀ انقلابیون و مبارزان را دوباره احیا می‌کند:

«پریا! گشنه تونه؟

پریا تشنه تونه؟

پریا خسته شدین؟

مرغ پر بسته شدین؟

چیه این های‌های تون

گریه تون وای وای تون؟

پریا؟ قد رشیدم بینین

اسب سفیدم بینین

اسب سفید نقره تل

یال و دمش رنگ عسل...» (همان: ۱۶۴-۱۶۷).

شعر «نگاه کن» از دیگر شعرهای مجموعه هوای تازه است که بازتابی عاطفی از کودتاست. اگرچه این شعر در سال ۱۳۳۴، یعنی دو سال بعد از شکست نهضت ملی سروده شده، اما به خوبی نشان‌دهنده اوج خیانت به انقلاب مردم است:

«سال بد

سال باد

سال اشک

سال شک

سال روزهای دراز و استقامت کم

سالی که غرور گدایی کرد

سال پست

سال عزا

سال اشک پوری

سال خون مرتضی «همان: ۲۰۹».

با توجه به اوضاع نابسامان سیاسی-اجتماعی و اقتصادی در سال ۱۳۳۲، شاملو با به کار بردن نمادین «بیابان» آن را نماد وضعیت آن سال قرار داده است. «بیابانی مه زده» که گذشتن از آن برای عابر دشوار است و «عابر»، نمادی است از مردمان خسته، لب بسته و نفس بشکسته. از آن طرف، «هدیان گرم مه» نمادی برای تب آلودگی و شرعی بودن هوا و فضای اجتماعی آن روزگار است. شعر «مه» یکی از موفق ترین اشعار نیمایی از مجموعه شعر هوای تازه است که نمادهای آن با توجه به مقتضای زمانه در سال ۱۳۳۲ به تفسیرهای اجتماعی راه می برد (ر.ک؛ سلاجقه، ۱۳۸۴: ۱۶۱). شاملو سال ۱۳۳۲ را «سال کودتا» و یکی از بزرگترین وقایع قرن اخیر می نامد. در همین سال، او شعرهای «مه»، «بودن»، «شبان»، «یاران من»، «یه شب مهتاب» و «پریا» را سرود. در شعر «مه» از کودتای امریکایی چنین سخن می گوید:

«بیابان را سراسر مه گرفته است.

چراغ قریه پنهان است.

موجی گرم در خون بیابان است.

بیابان خسته،

لب بسته،

نفس بشکسته

در هدیان گرم مه

عرق می ریزدش آهسته از هر بند» (شاملو، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

شاملو با طنزی نیشدار خطاب به مدعیان حقوق بشر در جامعه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به ویژه دهه چهل، آنان را به سخره می گیرد و ادعایشان را کذب و دروغین می نامد؛ زیرا بر این باور است که هنوز در جامعه، حاکمان مستبد و خودرأیی هستند که با خوی استبداد، هنوز در عصر بردگی به سر می برند:

«بردگان را همه بفروخته اید

که برده داری

نشان زوال و تباهی است

و کنون به پیروزی
دست به دست می‌تکانید
که از طایفه برده‌داران نی‌اید
و تجارتِ آدمی را
ننگی می‌شمارید» (همان: ۶۹۵).

۲-۲. ضدیت و غیریت

در «گفتمان ناسیونالیستی»، غیرهای متعددی وجود دارد که از آن‌ها در شرایط گوناگون و برای کسب هویت‌های مختلف استفاده می‌کند. در مجموعه اشعار احمد شاملو، استعمار، غیر خارجی و استبداد پهلوی، غیر داخلی به شمار می‌روند و باعث شکل‌گیری و انسجام گفتمان ناسیونالیستی می‌شوند. بنابراین، در اشعار احمد شاملو، «گفتمان ناسیونالیستی» در ضدیت با استبداد و استعمار هویت می‌یابد. از سوی دیگر، «گفتمان ناسیونالیستی» با برجسته‌سازی دال‌های خود و با حاشیه‌رانی دال‌های غیر، «گفتمان پهلویسم» را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد.

شاملو خطاب به مبارزان راه آزادی می‌گوید جامعه شب‌زده است و پُررعب، ولی می‌توان مبارزه کرد و تو ای مبارز! می‌توانی در کنار شب‌خیمه‌ات را علم‌کنی و شمشیر به دست گیری؛ زیرا دشمن در کمین تو نشسته است و مترصد فرصت تا تو را از پای در آورد:

«کنار شب
خیمه بر فراز
اما چون ماه بر آید،
شمشیر
از نیام
بر آر
و در کنارت
بگذار...» (همان: ۷۱۹).

۱-۲-۲. غیرسازی استعمار خارجی

شاملو همواره برای تحقق «آزادی و استقلال» علیه استعمار غرب سروده‌هایی دارد و بر این عقیده است که باید استعمارگران در مسائل کشورشان دخالت نکنند؛ زیرا مشکل میهنش را حضور استعمارگران در کشورش می‌داند و مردم را به مخالفت با استعمار تشویق می‌کند. او در مبارزه با استعمارگران اندیشه‌ای جهانی دارد. در واقع، شاعر با هر گونه استعمار در هر جای جهان مخالف است.

احمد شاملو در سروده «شعر بزرگ»، با هم‌نوع گره‌ای خود - شن چو - همدردی کرده است. شعر «سرود بزرگ» نشان‌دهنده تعهد جهانی شاعر در مبارزه با بی‌عدالتی و زورگویی‌هاست. شاملو خود را همراه و همگام تمام مبارزانی می‌داند که در سراسر جهان برای برابری انسان مبارزه می‌کنند. در این شعر، او از نیروهای امریکا به دلیل حمله به خاک گره انتقاد کرده، امریکا را دشمن مشترک خوانده است:

«شن چو!

کجاست جنگ؟

در خانه تو:

در گره؛

در آسیای دور. اما تو:

شن!

برادر زردپوست!

هرگز جدا مدان

زان کلبه حصیر سفالینم

بام و سرای من

پیدا است

شن

که دشمن تو،

دشمن من است» (همان: ۷۷).

«شعر ۲۳» قصیده‌ای است که در شبانگاه کشتاری نوشته شد که ارتش در ۲۳ تیرماه ۱۳۲۰ در تهران به راه انداخت. شاملو در مبارزات سیاسی خود، در اعتراض به کشتار دانشجویان که معترض به ورود هریمین^{۱۶} به تهران بودند، هیئت حاکمه را هدف می‌گیرد:

«بدن لخت خیابان
به بغل شهر افتاده بود
و قطره‌های بلوغ
از لمبره‌های راه
بالا می‌کشیدند
و تابستان گرم نفس‌ها
که از رؤیای جگن‌های باران خورده سرمست بود
در تپش قلب عشق می‌چکید
قلب را چون گوشی آماده کن...» (همان: ۴۵-۳۹).

۲-۲-۲. غیرسازی استبداد داخلی

در گفتمان پهلویسم، شخص شاه دال مرکزی و نماد انسجام ملی، شکوه و عظمت نژاد آریایی و نیز تمدن عظیم ایرانی بود. گفتمان ناسیونالیستی در مجموعه اشعار شاملو در برابر گفتمان پهلویسم، به سراغ دال مرکزی آن می‌رود و سعی دارد دال را از مدلولش جدا کند. بدین ترتیب، شاه نه نماد عظمت و شکوه ملی که عنصری بی‌کفایت، خوددفرخته و عامل از بین رفتن استقلال کشور و سرگشتگی ملت معرفی می‌شود.

شاعر حکومت‌های داخلی و وابسته به استعمار کشورش را مستبد می‌نامد و استبداد داخلی کشور را به رسمیت نمی‌شناسد و از هر فرصتی استفاده می‌کند تا گوشه‌ای از ستم‌ها و ناکارآمدی حکومت را برای مخاطب بنمایاند. از نگاه شاملو، حاکمیت دست‌نشانده استعمارگران است. شاملو هنگامی که می‌بیند مستبدان می‌خواهند نشاط و شادی را از مردم بگیرند و یا حتی می‌خواهند زندگی و حیات مردم را بنا به تشخیص خود محدود و محصور کنند، موضع‌گیری می‌کند. همچنین، در مجموعه شگفتن در مه، فضای خفقان، خشونت و زندان در دهه سی و چهل را چنین ترسیم می‌کند:

«... که زندان مرا باور مباد

جز پوستی بر استخوانم
 بارویی آری
 اما
 گرد بر گرد جهان
 نه فراگرد تنهایی جانم
 آه!
 آرزو!
 آرزو! (همان: ۶۹۱).

شاملو شعر «قصیده‌ای برای انسان ماه بهمن» در سال ۱۳۲۹ را در نکوهش رضاشاه پهلوی اول سروده است. شاعر در قسمت‌هایی از این شعر به رضاخان می‌تازد. از دیدگاه او، رضاشاه کسی است که انسانیت خود را فروخته است و یا حتی سزاوار نام انسان هم نیست و او را گیاه هرزه‌رویی می‌نامد:

«و لقمه دهانِ جنازه هر بی چیز پادشاه:

رضاخان!

شرف یک پادشاه بی همه چیز است

و آن کس که برای یک قبا بر تن و سه قبا در صندوق

و آن کس که برای یک لقمه در دهان و سه نان در کف

و آن کس که برای یک خانه در شهر و سه خانه در ده

با قبا و نان و خانه یک تاریخ چنان کند که تو کردی، رضاخان

نامش نیست انسان

نه، نامش انسان نیست، انسان نیست!

من نمی‌دانم چیست،

به جز یک سلطان! (همان: ۶۶-۶۷).

رویکرد احمد شاملو در ستیز با استبداد پهلوی، مبارزه با سیاست‌های ظالمانه و نبود فضای مناسب سیاسی در کشور است. احمد شاملو مخالف ماهیت حاکمیت مطلقه شاهنشاهی است. او سروده‌هایش را در مخالفت‌ها و ستیزه با خفقان سیاسی به دنبال دفاع از آزادی می‌سراید. آزادی در شعر شاملو به معنای رهایی از ماهیت حکومت استبدادی است. شاملو مخالف حکومت دیکتاتوری است و آرزو دارد که حکومتی دموکرات در ایران

برپا شود. از این رو، در شعر «تعویذ»، خندیدن به دیکتاتور پهلوی را تجربه می‌کند و به دیگران نیز می‌آموزد؛ زیرا می‌داند عظمت پوشالی دیکتاتورهای عبوس و اخمو که خود را به یاوه جدی می‌گیرند، با نیشخندی به باد می‌رود:

«به چرک می‌نشیند

خنده

به نوار زخم بندیش آر

بیندی

رهایش کن

اگر چند

قیلوله دیو

آشفته می‌شود» (همان: ۷۲۴).

حتی کسانی را می‌نکوهد که انقلاب سفید شاه را باور کرده بودند:

«ای یاوه!

یاوه!

خلایق

مستبد و منگ؟» (همان: ۶۵۴).

۲-۲-۳. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

«گفتمان ناسیونالیستی» با برجسته کردن وقته‌ها و معنا بخشیدن تازه‌ای بدان‌ها، دال مرکزی گفتمان پهلوی را به دلیل پیوند تنگاتنگ با استعمار و ایجاد خفقان سیاسی به حاشیه می‌راند. این حاشیه‌رانی در کنار دال مرکزی «خودی»، یعنی «آزادی و استقلال» در این زمینه در اذهان سوژه‌ها موجب از میان رفتن استیلای گفتمان رقیب و هژمونی گفتمان ناسیونالیستی می‌شود.

در مجموعه اشعار شاملو، خفقان سیاسی، نابرابری‌ها و ستم‌ها، استبداد و بی‌کفایتی نظام شاهنشاهی را یادآوری می‌کند. شاعر از اینکه می‌بیند بی‌کفایتان به مقام و منصب رسیده‌اند و آزاداندیشان و روشنفکران از سوی مستبدان و آزادی‌ستیزان مقهور شده‌اند، دردمندانه می‌نالد:

«بردگان عالی‌جاه را دیده‌ام من
در کاخ‌های بلند
که قلاده‌های زرین بر گردن داشتند
و آزاده‌مردم را
در جامه‌های مرقع
که سرودگویان
پیاده به مقتل می‌رفتند» (همان: ۶۹۵).

شعرهای شبانه شاملو از فضای تاریک و ظلمانی که بر اثر استبداد پهلوی دوم در جامعه به وجود آمده‌است، انتقاد می‌کند، به‌ویژه به استبداد حاکم بر دهه سی و چهل این گونه اعتراض می‌کند:

«اگر نخستین شب زمستان است
یا شام واپسین
تا آفتاب دیگر را
در چهارراه‌ها فرا یاد آری
یا خود به حلقه دارش از خاطر
ببری
فریادی بی‌انتهاست شب فریادی بی‌انتهاست؛
فریادی از نومی‌دی! فریادی از امید!
فریادی برای رهایی است. شب فریادی برای...» (همان: ۶۰۱).

از طرف دیگر، گفتمان رقیب، یعنی گفتمان حاکم با حاشیه‌رانی گفتمان ناسیونالیستی به شکل‌های مختلفی مانند توقیف، حبس، اعدام، ترور، استمرار قدرت و تداوم هژمونی خود را حفظ می‌کند. نمونه سرکوبی‌های گفتمان رقیب در بحث انسان مبارز به مثابه سوژه سیاسی ذکر خواهد شد.

۲-۳. اسطوره استقلال و آزادی تا تصور اجتماعی

در شرایط بی‌قرار اجتماعی-سیاسی دوره پهلوی دوم، مفهوم «استقلال و آزادی» ایران با بحران معنا روبه‌رو بود. از این رو، در اذهان سوژه‌ها نیاز به یک گفتمان جایگزین پدید

آمد که بتواند مشکلات موجود را حل کند و به بازتولید معناهای تازه‌ای دست یافت. در چنین شرایطی، نظریه «استقلال و آزادی» از استبداد و استعمار، برای تبیین مشکلات و ارائه راه حل به عنوان بدیلی برای گفتمان موجود تولد یافت و یک فضای آرمانی از جامعه را ارائه داد که در آن از بحران‌ها و مشکلات موجود اثری نبود:

«روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد
و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت
روزی که کمترین سرود
بوسه است
و هر انسان
برای هر انسان
برادری است.
روزی که دیگر درهای خانه‌ها را نمی‌بندند.
قفل، افسانه‌ای است
و قلب
برای زندگی بس است» (همان، ۱۳۷۲: ۱۸۲).

آزادی‌های سیاسی و استقلال از هر گونه دخالت بیگانگان، عنوان دال خالی گفتمان پهلوی بود و زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان‌های جدید فراهم ساخت. در دوران بی‌قراری این گفتمان، در نتیجه، عاملیت سوژه‌های سیاسی به یک اسطوره تبدیل شد. «گفتمان ناسیونالیستی» از این دال‌های خالی، تصویری آرمانی در اذهان سوژه‌ها پدید آورد و مردم رفع نواقص و بحران‌ها را در گرو استیلای آنان می‌دیدند.

به عقیده شاملو، از خودگذشتگی در محیطی که آزادی ستیز است، از خودگذشتگی و برخاستن از سر جان است. آن کس که جان را پشتوانه فریاد و اعتراض می‌کند، قهرمان حماسه عصر ماست و مرگ او سند و مدرک صداقت اوست:

«اما اگر مجال آن هست
که به آزادی ناله‌ای کنی
فریاد درافکن
و جانت را به تمامی

پشتوانه پرتاب آن کن» (همان: ۷۷۰).

اسطوره «استقلال و آزادی» به عنوان دال مرکزی «گفتمان ناسیونالیستی» در میان مردم گسترش یافت و به خواست بیشتر جامعه تبدیل شد. دال‌های شناور این گفتمان نیز در پرتو فعالیت سوژه‌های سیاسی ناسیونال (ملّی) با هویت‌یابی حاصل از مفصل‌بندی، حول دال مرکزی به ثبات معنایی نسبی در افکار عمومی دست یافتند و بدین ترتیب، می‌توان گفت که «آزادی و استقلال» به یک تصور اجتماعی تبدیل شد و تا حدودی به حاشیه‌رانی گفتمان رقیب دست زد.

در شرایط خفقان و استبداد، سخن گفتن از جامعه‌ای خیالی این امکان را برای نویسنده و شاعر فراهم می‌آورد که از آرمانشهر یا جامعه مطلوب سخن گوید؛ همانند کاری که احمد شاملو در شعر عامیانه «پریا» کرده است. «پریا» سروده‌ای با انگیزه سیاسی و اجتماعی است. شعر نیاز جامعه‌ای است که با کودتای ۲۸ مرداد آسیب شدیدی دیده است. شاملو نیز به این نیاز اجتماعی پاسخ داده است:

«پریا! گشنة تونه؟

پریا! تشنه تونه؟

پریا! خسته شدین؟

مرغ پرسته شدین؟

چیه این های‌های تون؟

گریه تون، وای وای تون!

گریه تون، وای وای تون؟

پریا؟ قد رشیدم بینین.

اسب سفیدم بینین.

اسب سفید نقره تل

یال و دمش رنگ عسل...» (همان: ۱۹۶-۱۹۷).

۲-۴. انسان مبارز به مثابه سوژه سیاسی

با بی‌قراری گفتمان هویت‌بخش حاکم، «انسان مبارز» به مثابه سوژه سیاسی در «گفتمان ناسیونالیستی» ظهور می‌یابد و به عنوان سوژه در چارچوب مفصل‌بندی گفتمان قرار

می گیرد. در این حالت، گفتمان ناسیونالیستی جایگاه سوژه و الگوی عمل وی را معین می کند. بنابراین، هویت سوژه به شکل انسان مبارز مشخص می شود تا به عنوان یک کارگزار یا «عامل سیاسی» برای تحقق آرمان ملی، دست به فعالیت بزند و با عملکردش سرنوشت ملت‌ها را دگرگون کند.

شاملو خود نیز به مثابه سوژه سیاسی عمل می کند و خفقان و استبداد را آشکارا در اشعارش می نکوهد. شاعر هیچ گاه به استبداد و خفقان گردن نمی نهد. او آزاده‌ای است که با ستم مبارزه می کند و در خدمت حاکمان مستبد در نمی آید:

«...مرا لحظه‌ای تنها مگذار

مرا از زره نوازشت روین تن کن

من به ظلمت گردن نمی نهم

جهان را در پیراهن کوچک روشت خلاصه کرده‌ام» (همان: ۳۸۴).

شاملو شعرهای زیادی برای مبارزان سیاسی سروده است. در این گفتمان، «انسان مبارز» به شکل‌های بدیع برای تحقق «آزادی و استقلال» عمل می کند و به اتخاذ تصمیم می پردازد. او در اشعارش، ستایشگر و مرثیه‌خوان مبارزان و شهیدانی است که زندگی خود را وقف آزادی و استقلال میهن می کنند. در مجموعه اشعار شاملو، با رفتارهای گفتمانی مبارزان به مدلول «انسان مبارز» رهنمون می شویم. به نمونه‌هایی بسنده می شود که شاملو ستایشگر آنان است. شاعر در سوگ اعدام مبارزان بعد از کودتای ۲۸ مرداد شعر می سراید و آنان را به ستارگانی تشبیه می کند که با نبودشان، آسمان شاعر نیز بی ستاره است:

«یاران ناشناخته‌ام

چون اختران سوخته

چندان به خاک تیره فروریختند سرد

که گفتمی

دیگر

زمین

همیشه

شبی بی ستاره ماند

... از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید!

خون را به سنگ فرس بینید» (همان: ۳۲۹).

در شعر شاملو، چهره‌ها و جان‌هایی می‌یابیم که برای آزادی و شرافت و آرمان‌های ملی به پای چوبه‌های دار رفته‌اند، شکنجه دیده‌اند و در دشوارترین لحظات، از آرمان‌های خود دست نکشیده‌اند:

«در برابر تندر می‌ایستند

خانه را روشن می‌کنند

و می‌میرند...» (همان: ۷۸۶).

شاملو در شعر «ضیافت»، از درد و غم روشن‌فکران ظلم‌ستیز متعهد سخن می‌گوید و معتقد است که حاکمان مستبد به هر شکل می‌خواهند آنان از مبارزه دست بردارند و دم از اعتراض ببندند و تسلیم شوند:

«میهمانان را غلامان

از میناهای عقیق

زهر در جام می‌کنند

لبخندشان

لاله و تزویر است.

انعام را به طلب دامن

فراز کرده‌اند

که مرگ بی‌دردسر

تقدیم می‌کنند. ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مردگان را به رف‌ها چیده‌اند.

زندگان را به یخدان‌ها

گردد

بر سفره‌ سور

ماه را در چهره‌های بی‌خون هم کاسه‌گان می‌نگریم:

شگفتا!

ما

کیان‌ایم؟

نه بر رف‌چیدگان‌ایم

نه از صندوقیان ایم کز زند گانیم!

تنها

در گاه خونین و فرش خون آلوده شهادت می دهد

که برهنه پای

بر جاده ای از شمشیر گذشته ایم...

که بر سفره فرود آید؟ زنان را به زردابه درد

مطلا کرده اند! (همان: ۷۵۶-۷۵۷).

او از خود گذشتگی و ایستادن در مقابل ستم و عاشقانه جان فدا کردن را برتر و والاتر از هر چیزی می شمارد، اما لبخند آن کس را که در برابر فرمان آتش جوخه اعدام با سرافرازی لبخند می زند و در لحظه واپسین حیات بر دل ظالم و مستبد داغ می گذارد، با هیچ چیز شایسته مقایسه نمی داند:

«... اما آن

که در برابر فرمان واپسین

لبخند می گشاید

تنها

می تواند

لبخندی باشد

در برابر آتش» (همان: ۷۱۸).

شاعر در شعر «قصیده ای برای انسان ماه بهمن» که در بهمن ماه ۱۳۲۹ سرود، از اعدام تقی ارانی به دستور رضاشاه پهلوی سخن گفته است (ر.ک؛ همان: ۶۵). در شعر «مرثیه» که در مهرماه ۱۳۳۰ برای مرگ نوروزعلی غنچه (کارگر شرکت نفت) سروده است، از شکنجه هایی سخن می گوید که او در مدت زمان ده سال در زندان تحمل کرد و در زندان نیز وفات یافت (ر.ک؛ همان: ۳۴-۳۵). شعر «سرود برای مرد روشن که به سایه رفت» که در سال های پس از کودتای ۲۸ مرداد سروده شده است، در سوگ جلال آل احمد معترض است (ر.ک؛ همان: ۷۰۶) و شعر «ساعت اعدام» را در سال ۱۳۲۱ برای سرهنگ سیامک سرود که با نه تن از گروه سازمانی اعدام شدند (ر.ک؛ همان: ۱۳۸).

نتیجه‌گیری

میهن‌دوستی، یگانگی ملی و نظام سیاسی مطلوب «دولت ملی» از مهم‌ترین دال‌هایی هستند که در پیرامون دال مرکزی «آزادی و استقلال» در «گفتمان ناسیونالیستی» مفصل‌بندی می‌شوند. این نشانه‌ها در گفتمان ناسیونالیستی و گفتمان رقیب (گفتمان پهلوی) دارای مدلول‌های متفاوت هستند و هر یک از گفتمان‌ها سعی در ارائه معانی متفاوت و تازه‌ای از این نشانه‌ها دارند. در مجموعه اشعار شاملو، آزادی و میهن‌پیوندی ناگسستی دارند و میهن با سیمای معشوق جلوه می‌یابد و وحدت و یگانگی به شکل همدلی ملی در راه مبارزه برای رسیدن به آمل ملی متبلور می‌شود. از سوی دیگر، نظام سیاسی مطلوب (= دولت ملی) در مفهوم رهایی از دخالت بیگانگان استعمارگر و آزاد از استبداد معنا می‌شود. در مجموعه اشعار احمد شاملو، استعمار، غیرخارجی و استبداد پهلوی، غیرداخلی به‌شمار می‌رود و «گفتمان ناسیونالیستی» در ضدیت با استبداد و استعمار هویت می‌یابد. «گفتمان ناسیونالیستی» با برجسته‌سازی وقته‌ها (لحظه‌ها) و با حاشیه‌رانی دال‌های گفتمان غیر، «گفتمان پهلویسم» را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. در شرایط بی‌قرار اجتماعی-سیاسی دوره پهلوی دوم، مفهوم «استقلال و آزادی» ایران با بحران معنا روبه‌رو بود و به دال خالی مبدل شد. از این رو، در اذهان سوژه‌ها نیاز به یک گفتمان جایگزین پدید می‌آید که بتواند مشکلات موجود را حل کند و به بازتولید معنای تازه‌ای دست یابد. در چنین شرایطی، نظریه «استقلال و آزادی» از استبداد و استعمار، برای تبیین مشکلات و ارائه راه حل به عنوان بدیلی برای گفتمان موجود تولید یافت. در نتیجه، عاملیت انسان مبارز به (سوژه سیاسی) به یک اسطوره تبدیل شده است و بدین ترتیب، «استقلال و آزادی» به یک تصور اجتماعی تبدیل می‌شود و سوژه‌ها به عنوان یک کارگزار یا «عامل سیاسی» برای تحقق آرمان آزادی‌های سیاسی و استقلال کشور از دخالت استعمار دست به فعالیت می‌زنند.

پیوست‌ها

1. Interperetative.
2. Ernesto Laclau.
3. Chantal Mouffe.
4. Nationalism.
5. Discourse.
6. Articulation.

7. Nodal Point.
 8. Elements.
 9. Moments.
 10. Field of discoursivity.
 11. Dislocation.
 12. Antagonism.
 13. Otherness.
 14. Subject positions.
 15. Political subjectivity.
۱۶. هریمن: ویلیام آورل هریمن (William Averell Harriman / ۱۸۹۱-۱۹۸۶ م.)، بازرگان، دیپلمات و سیاستمدار عضو حزب دموکرات و نماینده رئیس جمهوری آمریکا بود.

منابع و مأخذ

- اسمیت، آنتونی. (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*. ترجمه منصور انصاری. تهران: تمدن ایرانی.
- انتخابی، نادر. (۱۳۷۱). «نامه فرهنگستان و مسئله تجدد آمرانه در ایران». *نگاه نو*. س ۳. ش ۲۱. صص ۸۰-۱۰۷.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۷). *روشن شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۴). *نقد شعر معاصر (امیرزاد کاشی‌ها)*. تهران: مروارید.
- سلطانی، سیدعلی اصغر. (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». *فصلنامه علوم سیاسی*. س ۷. ش ۲۸. صص ۱۵۳-۱۸۰.
- _____ . (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی)*. تهران: نی.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۲). *آیة در آینه*. تهران: زمانه.
- _____ . (۱۳۹۲). *ابراهیم در آتش*. ج ۱. تهران: نگاه.
- _____ . (۱۳۹۲). *ترانه‌های کوچک نوبت*. تهران: نگاه.
- _____ . (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*. دفتر یکم. ج ۱. ج ۷. تهران: نگاه.
- _____ . (۱۳۹۲). *مدایح بی صله*. تهران: نشر نگاه.

صلاحی مقدم، سهیلا و مرضیه اصغر نژاد فرید. (۱۳۹۲). «مضامین تغزل اجتماعی در اشعار نزار قبانی و احمد شاملو». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. س ۷. ش ۲۶. صص ۶۹-۸۹.

فلاح خواه، فرهاد. (۱۳۸۵). «مروری بر اندیشه احمد شاملو». *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی*. س ۲. ش ۵. صص ۵۷-۷۶.

قادری، فاطمه و مهری زنی. (۱۳۸۸). «زمینه اجتماعی اشعار شاملو و ماغوظ». *ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. س ۱. ش ۱. صص ۱۰۹-۱۳۲.

مارش، دیوید و جری واستوکر. (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مختاری، محمد. (۱۳۷۲). *انسان در شعر معاصر*. ج ۱. تهران: توس.

مک دائل، دایان. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

- Ansari, Ali M. (2003). *Modern Iran Since 1921: The Pahlavis and After*. London: Longman.
- Hawarth, D. , A.G. Noarval & Y. Stavarakakis. (2000). *Discourse Theory and Political Analysis: Identities, Hegemonies and Social Change*. Manchester: Manchester University Press.
- Howarth, David. (2000). *Discourse*. Buckingham: Open. University Press.
- Kohn, Hans. (1967). *The Idea of Nationalism, Nith Printing*. New York: the Macmillan Company.
- Laclau, Ernesto. (1996). *Emancipation (s)*. London: Verso.
- (1990). *New Reflections on the Revolution of our Time*. London: Verso.
- (1994). *The Making of Political Identities*. London: Verso.
- Laclau, Ernesto and Chantal Mouffe. (2002). *Antonio Gramsci, Critical Assessment of leading Political Philosophers*. Voutledge.
- (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Sills, David. (1972). *International Encyclopedia of the Social Sciences*. Vol. II. New York: Macmillan Company and the Free Press.